

## یک اثر پژوهشی عامه‌پسند

درباره مجموعه «۲۸ رنگ برای نی»



عطا نوبیدی

پژوهشگر موسیقی ایرانی

رنگ از قدیمی‌ترین فرم‌های موسیقی ایرانی است که به دلیل کوتاه بودن، همچنین ضرباننگ بالای آن بسیار مورد توجه عموم مردم قرار می‌گرفته و معمولاً در پایان اجراها و قطعات موسیقی نواخته می‌شده است. به دلایل متعدد و تغییر برخی فرم‌ها در موسیقی، همچنین فاصله گرفتن بسیاری از خالقان و موسیقیدانان از ریشه‌های قدیم طی چهار دهه گذشته، رنگ در موسیقی امروز کمرنگ شده است و هر آن چه در رپرتوار اجرایی سال‌های اخیر شنیده می‌شود، مربوط به اواخر دوره قاجار یا پهلوی اول است. به استثنای فرامرز پایور که اکثر قریب به اتفاق اجراهایش با وجود نوآوری در محتوا، پایبند به فرم موسیقی قدیم بود و وجود رنگ را همواره در اجراهایش رعایت می‌کرد، کمتر آهنگسازی را در چهار دهه گذشته سراغ داریم که این فرم را رعایت کرده باشد.

مجموعه «۲۸ رنگ برای نی» شامل رنگ و ضربی‌های قدیمی از آهنگسازان، نوازندگان و موسیقیدانان صاحب‌نام ایران از دوره قاجار تا اواخر دوره پهلوی اول است که از آرشیمو شخصی محمدرضا شریایی، پژوهشگر پرتلاش موسیقی ایرانی استخراج شده و توسط زمان خیری، نوازنده نی و پژوهشگر موسیقی در یک دوره سه‌ساله بازسازی، نواخته و منتشر شده است.

این قطعات ساخته و اجرای هنرمندانی چون آقاحسینقلی، درویش خان، عبدالحسین شهنازی، مشیر همایون شهردار، باقرخان رامشگر، ارکستر پرویز ایران‌پور، یحیی زرنیجه و... است که از صفحات گرامافون، استوانه فنوگراف و ضبط خصوصی استخراج شده است. برخی از این قطعات به دلیل آسیب دیدن منبع آن، در بخش‌های جزئی مخدوش شده و توسط زمان خیری با توجه به حرکت ملودی و نت‌ها، پُل‌ها و جملات از دست‌رفته بازسازی شده است. همچنین برخی از قطعات به دلیل محدودیت زمان ضبط استوانه فنوگراف، فاقد پایان‌بندی بود که در این موارد نیز جملات فرود و پایانی برای این قطعات بازسازی شده است. با توجه به محدودیت رپرتوار آموزشی و اجرایی برای ساز نی، این مجموعه که طی ماه‌های آینده کتاب نت آن نیز روانه بازار می‌شود، یک اتفاق خوب برای این ساز است.

طی سال‌های متعددی نوازندگان ساز نی برای نواختن قطعات مختلف به کتاب‌های دیگر سازها مراجعه می‌کردند و این قطعات را با نی می‌نواختند. اما «۲۸ رنگ برای نی» از معدود مجموعه‌هایی است که برای ساز نی طراحی و ساخته شده و در آن شخصیت، ویژگی‌ها و محدودیت‌های این ساز کهن لحاظ شده است. همچنین با انتشار کتاب این اثر، این قطعات ناشنیده برای عموم سازها نیز در دسترس قرار می‌گیرد.

آن چه آلبوم «۲۸ رنگ برای نی» را در این روزگار برجسته می‌کند، ماهیت رنگ به‌عنوان یک موسیقی کوتاه و عامه‌پسند است. امروزه سلیقه شنیداری مردم به سمت موسیقی‌های کوتاه رفته که البته یافتن موسیقی‌های کوتاه که دارای اصالت، ریشه و خاستگاه صحیح فرهنگی-موسیقایی باشد امری سخت است. رنگ برخاسته از موسیقی قاجار، دوران شکوه موسیقی ایرانی است. اگر امروزه بتوان فرم‌هایی مانند رنگ و ضربی خوانی را در میان عموم اشاعه داد، قطعاً رقیب بی‌پدیل و سرسختی برای موسیقی‌های بی‌محتوا و سطحی که امروز در رسانه‌های مختلف منتشر می‌شود خواهد بود.

مجموعه «۲۸ رنگ برای نی» علاوه بر ویژگی‌های پژوهشی آن که برگزیده بخش پژوهشی جایزه باربد را در کارنامه دارد، این ظرفیت را دارد که در رپرتوار شنیداری عامه مردم نیز قرار گیرد. این آلبوم سال ۱۴۰۲ از طریق نشر ماهور منتشر شده و از معدود آثاری است که به‌صورت فیزیکی هم در دسترس علاقه‌مندان است.



دموکرات‌ها به عرصه وارد می‌شوند و سینمای ترمیناتوری در مقابل سینمای هنری تر، حقوق بشری تر و انسانی تر چپ‌های مقیم هالیوود قرار می‌گیرد. این تقابل در سینمای آمریکا هم هست و سینماگر ایرانی نیز اگر خودش هم نخواهد وارد این عرصه می‌شود. سینما یک هنر غربی است و باید چشم داشته باشیم و ببینیم چه اتفاقاتی در روند تکاملی سینما در زادگاهش می‌افتد. در سال ۷۶ سینماگران وارد عرصه انتخابات می‌شوند اما سینماگران با نگاه حزبی وارد این عرصه نشده‌اند، بلکه با نگاهی ایدئولوژیک پای به انتخابات گذاشتند.»

محمد مهدی عسگرپور، کارگردان و مدیرعامل اسبق خانه سینما هم درباره نسبت سینما و سیاست بر محور مقوله انتخابات معتقد است: «در بسیاری مباحث، ذهن‌مان به سینمای آمریکا از جاع پیدا می‌کند که در این حوزه‌ها قوام‌یافته عمل می‌کند. درباره انتخابات در سینمای آمریکا، فیلم زیاد ساخته شده و خیلی فیلم‌ها مستقیم و برخی در قالب درام عشقی یا پس‌زمینه انتخاباتی به این مسئله می‌پردازند که این مهم می‌تواند حاصل سفارش باشد کمالینکه در بسیاری از آثار تلویزیونی ما به سفارش ارگان یا نهادی، تصویری از یک امامزاده یا فضایی شبیه به این در یک سریال گنجانده می‌شود.» به گفته عسگرپور: «در سال ۷۶ سینماگران نقش تعیین‌کننده داشتند. سال ۷۶ سینماگران نقش اجتماعی قوی‌ای داشتند و از کاندیدایی حمایت کردند که در حوزه فرهنگ فعالیت داشت. این موجب شد حساسیت درباره سینما و سینماگران بیشتر شود و اتاق‌های فکر متعددی تشکیل شد تا این نقش اجتماعی مختل شود. خیلی‌ها دوست دارند احساس شود سینما یک دیوانه‌خانه بزرگ است و به دنبال این تئوری هستند. به این سینما می‌توان هیچ امکانی نداد که در حوزه سیاست فعالیت کند و بعد از آن برسید، در این حوزه فعالیت نکردید؟ با مهندسی معکوس می‌توان فهمید چرا در حوزه انتخابات فیلمی ساخته نشد. سینما جنبه‌های انتقادی بیشتری دارد. برخی نگاه ژورنالیستی یا توریستی به رویدادهای سینمایی دارند؛ وجه غالب فیلم‌های کن سیاسی است، اثری از آرژانتین می‌آید که به سیاست‌های دولت انتقاد کرده و تنها جایی که کفن‌پوش معترض در آن وجود دارد، ایران است که فیلم و فیلمساز را به سیاه‌نمایی متهم می‌کنند.»

### ۷ پرسش سینماگران از نامزدهای ریاست جمهوری

نسبت سینما و انتخابات صرفاً به روایتگری فیلمسازان از شخصیت، ایده‌ها و برنامه‌های نامزدهای ریاست جمهوری محدود نمی‌شد، بلکه آنها در کنار روایتگری به مطالبه‌گری از آنها هم دست می‌زدند. از جمله در انتخابات ۸۸ که رقابتی‌ترین و دوقطبی‌ترین انتخابات ریاست جمهوری بود، خانه سینما طی بیانیه‌ای درباره انتخابات هفت پرسش مهم خود را از نامزدهای انتخاباتی طرح کرد و خواهان پاسخگویی نامزدها به آن بود. این هفت پرسش این‌ها بودند:

- ۱- برنامه مشخص شما برای رونق اقتصاد هنر به‌ویژه قلمرو سینما چیست؟ جست‌وجوی سهم تولیدات سینمایی ایران در جهان را چگونه دنبال می‌کنید؟ ۲- اشتغال به تولید و عرضه در فعالیت‌های هنری به‌ویژه سینما را حق می‌دانید یا امتیاز؟ ساختار حقوقی و عملکرد دستگاه‌های اجرایی متکفل این عرصه، کدام گزینه را برگزیده است؟ ۳- ظرف چه مدت بیمه‌بیکاری هنرمندان مصرح در قانون برنامه چهارم را که تاکنون مغفول مانده، عملیاتی می‌کنید؟ ۴- مزیتی در تولید و نمایش آثار هنری به‌ویژه سینما را چگونه می‌بینید و چه سازوکاری را برای اعمال آن بر می‌گزینید؟ ۵- برنامه شما برای حمایت از حقوق مادی و معنوی هنرمندان و آثار سینمایی چیست و ظرف چه مدت از اجرایی می‌کنید؟ ۶- آیا ساختار، اهداف و برنامه‌های نظام موجود اداری حوزه فرهنگ و هنر را برای مدیریت توسعه این عرصه مناسب می‌دانید؟ در غیر این صورت چه ساختار و برنامه‌ای را طراحی و به اجرا می‌گذارید؟ ۷- نامزدهای مورد نظر شما برای تصدی پست وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چه کسانی هستند؟

اکنون در آستانه انتخابات چهاردهم ریاست جمهوری هستیم که به اجبار و نابهنگام فصل آن فرارسید. این انتخابات در حالی برگزار می‌شود که سینمای ایران در بحرانی‌ترین وضعیت خود از منظر اقتصادی و بیشترین فاصله و شکاف از سیاستمداران قرار دارد. حالا اگر فیلم انتخاباتی ساخته شود، هم به کارگردانی فیلمسازان ارگانی و سازمانی خواهد بود، هم چشم‌انداز و برآیند تحلیل‌ها از رابطه سینماگران با سیاست نشان می‌دهد که مشارکت سینماگران در برنامه‌های تبلیغاتی نامزدها در پایین‌ترین دوره خود خواهد بود. سایه سیاست بر سینما آنقدر سنگین بود که حالا سینما نمی‌خواهد زیر سلطه سیاست باشد.

فردی به‌نام «قدرت» با بازی حامد بهداد را روایت می‌کند که با وجود سوابق نامناسب، سودای نمایندگی مجلس در سر دارد و در رسیدن به این هدف با اقدامی خودسرانه، ماجراهای این فیلم را رقم می‌زند. کمال تبریزی با آن که تلاش کرده بود ماجرای حضور در کسوت نامزد انتخابات مجلس را به‌شکل طنز به تصویر بکشد، اما کیفیت فیلم سبب شد تا عده‌ای آن را تلاشی نافر جام برای تکرار تجربه «مارمولک» در کارنامه این فیلمساز توصیف کنند.

### زهرمار

فیلم «زهرمار» نیز نمونه دیگری از آثار طنزی است که به انتخابات و حواشی حاکم بر آن پرداخته است. این فیلم را جواد رضویان در سال ۹۷ ساخت و در آن تلاش کرد با استفاده از المان‌های طنزآزانه به بیان نقدهای اجتماعی و تناقضات رفتارهای سیاسی جامعه از جمله انتخابات‌بیردارد. داستان فیلم درباره حاج‌حشمت تهرانی، یک مداح شناخته‌شده است که می‌خواهد در شورای شهر تهران عضو شود. او در یکی از شب‌ها یکی از نوستان قدیمی خود، رهی را پس از سال‌ها می‌بیند، اما رهی از او دل خوشی ندارد و همین مسئله باعث ایجاد داستان‌های زیادی در فیلم می‌شود. این فیلم در ۲۹ خردادماه ۱۳۹۸ در سینماهای ایران اکران شد و در یک برهه در خردادماه ۹۸ به‌خاطر شباهت آن با یک مداح مشهور، لغو و بلیت‌فروشی آن کنسل شد.

### دموکراسی ایرانی

سینمای ایران بعد از انقلاب سراغ سوژه انتخابات رفت که پیش از این سابقه نداشت. سینماگران به مقوله انتخابات همواره نگاهی تیزبینانه داشته و دارند. آثار زیادی را می‌توان در این خصوص نام برد که گرچه تمرکز اصلی‌شان بر انتخابات نیست، اما در لایه‌های زیرین خود بر آن تأکید دارند. «نان، عشق، موتورهای»، اثر ابوالحسن داوودی، «متولد ماه مهر» احمدرضا درویش، «زاگرس» محمدعلی نجفی، «دموکراسی در روز روشن» علی عطشانی، «گیرنده» مهرداد غفاری، «نیمه پنهان» تهمینه میلانی، «مینای شهر خاموش» امیرشهاب رضویان، «اعتراض» مسعود کیمیایی، «مارمولک» کمال تبریزی، «بادیگارد» ابراهیم حاتمی‌کیا و... از جمله آثار دیگری است که داستان فرعی انتخابات در آنها به‌وضوح دیده می‌شود. با این حال هنوز اثری که بتواند به فیلمی ماندگار درباره موضوع انتخابات تبدیل شود، در سینمای ایران ساخته نشده است.

### وجه نمایشی و سینمایی انتخابات

فارغ از اینکه سینمای ایران چقدر به مقوله انتخابات به‌مثابه سوژه‌ای برای ساخت فیلم توجه کرده و به آن پرداخته است، پرسش کلان‌تری هم مطرح می‌شود مبنی بر اینکه سینما چگونه به بازوری انتخابات می‌تواند کمک کند؟ آیا سینما به دنبال سیاست‌های جاری است؟ واقعیت این است که سینماگران اغلب بر این اعتقادند که سینما شیوری نیست که بتوان در آن دیدم و این هنر ابزاری نیست که بتوان هدف‌گذاری‌های سیاسی را در آن مستقیم جاری کرد و برای این مهم باید شیوه‌هایی را در نظر گرفت و هنر هفتم انعکاس‌دهنده واقعیت‌های ملموس و غیر ملموس و ایده‌آل‌هاست. آنها معتقدند که سینما اندیشه است و نیازمند تحمیل اندیشه از حوزه‌های دیگر نیست و سیاست از منظر سینماگر هم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. دکتر محمد هادی کریمی، کارگردان و نویسنده سینما در این باره معتقد است: «در ادوار مختلف هنرمندان چپ به‌عنوان تهییج‌کننده، ایدئولوژی خود را تبلیغ می‌کردند و نمی‌دانستند اثر هنری‌شان مشوش می‌شود یا فیلمی که هنرمندی برای رایش سوم می‌سازد فاقد ارزش‌های هنری است. مستند «پیروزی یک اراده» یک فیلم تبلیغاتی تهییج‌کننده ایدئولوژیک است که در صدر بهترین‌های مستندهای سینمای دنیا قرار دارد. پس می‌بینیم نداشتن نگرانی از اینکه فیلمساز متهم به تبلیغ یک ایدئولوژی باشد موجب ماندگاری یک اثر می‌شود و این فیلم اواخر سال ۱۳۱۸ در ایران نیز نمایش داده شد. در اتحادیه جماهیر شوروی بر مبنای ایدئولوژی‌ای که داشتند، رئالیسم سوسیالیستی را وارد کردند و ایدئولوژی چپ در برهه‌های قهرمان را ملت معرفی کرد و معرفی قهرمان را از حالت مرسوم در سینما بیرون آورد. در سینمای آمریکا، سینما برای تبلیغ ایدئولوژی استفاده نمی‌شود بلکه سبک زندگی در هنر هفتم تبلیغ می‌شود و آمریکایی‌ها مانفیست جدید و ایدئولوژی نوینی ندارند. سینمای آمریکا در اوایل به جایی می‌رسد که جان فورد «کلاه‌سبزها» را برای ارتش آمریکا می‌سازد و در برخی انتخابات نفس‌گیر می‌بینیم که آن‌تولد به‌عنوان طرفدار جمهوری خواه و شان‌پن از طرفداران

## سینمای ایران در طول چهار دهه گذشته، نسبت به «انتخابات» بی‌تفاوت نبوده است و اغلب فیلمسازان با خاستگاه‌های فکری مختلف و نگاهی منتقدانه سراغ این تجربه سیاسی رفته‌اند؛ سوژه‌ای که چه در ساخت سیاست و چه برای ساخت فیلم همواره داغ و تماشایی بوده است. گرچه تعداد فیلم‌هایی که در سینمای ایران با محوریت انتخابات و حواشی آن ساخته شده باشد کم است و دلیل آن، رویکرد نظارتی‌ای است که در سیاست‌گذاری‌ها و مدیریت سینمایی به این مقوله وجود دارد و آن را به سوژه‌ای حساس تبدیل می‌کند که هر فیلمسازی به آن راه ندارد و نمی‌تواند درباره این موضوع فیلم بسازد



برگر» باعث شد تا راهش برای اکران نوروزی همواره شود؛ همین هم شد. فیلم در بازه نوروز به نمایش درآمد تا فروش قابل توجه بیش از ۵ میلیارد تومان را به خود ببیند. ویدئوهای فراگیر شده از فضای انتخابات در نقاط مختلف کشور نشان می‌دهد که امر انتخابات فضایی متفاوت نسبت به تهران دارد؛ این‌را نوع تبلیغات نامزدها عیان می‌کند. یکی در میتینگ‌های انتخاباتی، جیب خود را می‌دورز تا نشان دهد در صورت انتخابش، پاک‌دستی را پیشه می‌کند، آن یکی با کاروانی از خودروها به دیدارهای مردمی می‌رود و... مسعود جعفری جوزانی در روایت «ایران بزرگ» دست روی همین موضوع گذاشت و برخی مناسبات حاکم بر انتخابات و تبلیغات نامزدها را با زبان کمدی، مورد انتقاد قرار داد. «ایران بزرگ» داستان روستایی را روایت می‌کند که در آن امرالله‌خان و فتح‌الله‌خان در انتخابات شورا با هم رقابت می‌کنند.

### ساحل امن

کرامت پورشه‌سورای در سال ۱۳۹۵ فیلم «ساحل امن» را با تمرکز بر انتخابات ریاست جمهوری آن سال ساخت. داستان «ساحل امن» درباره ورود یک جاسوس به ایران است که سعی می‌کند امنیت انتخابات ریاست جمهوری را به هم بریزد. این فیلم لایه‌های مختلفی دارد؛ به‌طوری که بخشی از آن الهام گرفته از چند اتفاق واقعی از انتخابات سال ۹۲ است. قصه «ساحل امن» به‌صورت ناخواسته به سمتی می‌رود که دو کاندیدای انتخاباتی در محوریت قرار می‌گیرند. هر چند فیلم رفته‌رفته سمت‌وسوی دیگری پیدا می‌کند اما در نهایت بر اتحاد طرفداران این دو گروه کاندیدادر برابر دشمن متمرکز می‌شود.

### مارموز

کمال تبریزی، فیلمساز شناخته‌شده‌ای که ساخته‌های متأخرش عمدتاً با شکست در گیشه مواجه می‌شوند، سال ۹۶ «مارموز» را ساخت؛ فیلمی که با وجود امید بسیاری که به آن می‌رفت، به سرنوشت دیگر فیلم‌هایش دچار شد تا این‌بار هم مخاطبان چندانی به تماشایش نشینند! آیدین سپاس‌سریع که بیشتر به‌واسطه طنزهای مطبوعاتی‌اش شناخته می‌شد، در «مارموز» به‌عنوان نویسنده فیلمنامه حضور داشت تا عمده مشکلات روایتی فیلم به او نسبت داده شود. این فیلم داستان

